



حضور اعتراض آمیز
مردم در خیابانهای
تهران همزمان با
سالگرد ۱۸ تیر

۲

پرتاب گاز اشک آور به
مردم و شلیک تیرهای
هوایی برای ایجاد رعب و
وحشت

۳

چماقداران حکومت و
پایداری مردم در اعتراضات
گسترده آحاد ملت همزمان با
سالگرد فاجعه هجدهم تیر

۳

شماره یک - ویژه نامه ۱۸ تیر - شنبه بیستم تیرماه ۱۳۸۸ | صاحب امتیاز: جنبش سبز ایران - سردبیر و مدیر سئول: "رسانه شما بیید" - تیراژ: چاپخانه شما بیید! و... دانستن حق مردم است

در این شماره می خوانید:

کمپین حقوق بشر در ایران:
مردمی که مورد حمله قرار می
گرفتند، فرار نمی کردند و با هم
می ماندند

۲

گزارش فعالان حقوق بشر و
دموکراسی در ایران از
اعتراضات ۱۸ تیر

۲

نترسیدیم چون همه با هم بودیم!
گزارش وبلاگ زیتون از
تظاهرات ۱۸ تیر تهران

۴

مشاهدات یک وبلاگ نویس از
تجمعات ۱۸ تیر:
آفرین به غیرتتان ملت ایران

۲

العریبه: ۱۸ تیر در ایران سابقه
اعتراضات دانشجویی ده سال
پیش را زنده کرد

۴

امسال باشکوه ترین سالگرد
هیجدهم تیرماه با شرکت اقشار
مردم رقم خورد

۲

امشب در تهران مردم فریاد می
زدند: مجتبی، بمیری، رهبری را
نبینی

۲

دستگیری نیما کوکول خواننده
رپ زیرزمینی در تجمعات
پنجشنبه

۳

۱۸ تیر تجلی اراده آهنین ملت برای استقرار دموکراسی و قانون در کشور

ده ها هزار نفر در سراسر کشور حقوق اولیه خود را فریاد کشیدند



جملزاده و خیابان آزادی محل تجمع تعداد زیادی از معترضان بود که برای حرکت به سمت میدان انقلاب تلاش می کردند.

اما به گفته این منبع هجوم افراد معترض به سمت میدان انقلاب با پرتاب گاز اشک آور از سوی نیروهای امنیتی مواجه شد و آنها پس از تجمع دوباره به کوچه های اطراف رانده شدند.

عده ای از معترضان توسط نیروهای انتظامی دستگیر شده اند، اما هنوز تعداد دقیق دستگیر شدگان مشخص نیست.

دلیل تجمع در غرب میدان انقلاب، حضور گسترده و تلاش نیروهای امنیتی برای در اختیار گرفتن کنترل مناطق شرقی این میدان بود که دانشگاه تهران در آنجا قرار دارد.

در پی حضور دلیرانه مردم در اعتراضات و راهپیمایی های ۱۸ تیر، ایران دوباره به سر خط اخبار جهان بازگشت

شبکه تلفن همراه نیز در بیشتر نواحی تهران قطع شد.

یکی از تصاویری که از طریق سایت یوتیوب منتشر شده، معترضان را در بلوار کشاورز، مقابل ساختمان وزارت کشاورزی نشان می دهد که شمار زیاد آنها باعث توقف ترافیک به سمت خیابان کارگر شده است.

معترضان در این ویدئو از ممانعت نیروهای امنیتی از حرکت تظاهرکنندگان به سمت میدان انقلاب سخن می گویند.

رویترز همچنین به نقل از یک شاهد عینی دیگر از گروه آبی "گروهی از اصلاح طلبان" مقابل دفتر سازمان ملل متحد در شمال تهران خبر داد.

آخرین بار، تهران حدود یازده روز قبل و در مراسمی که به مناسبت سالروز حادثه بمبگذاری هفتم تیر برگزار شد، صحنه برگزاری تجمعی از معترضان به نتیجه انتخابات بود.

با فرا رسیدن شب، از شدت اعتراض های خیابانی کاسته شده و شعار "الله اکبر" از باز خانه های تهران شنیده می شود.

ممانعت از تجمع مقابل دانشگاه تهران

منابع مختلف بعد از ظهر روز پنجشنبه نهم ژوئیه از حرکت گروهی از معترضان به سمت دانشگاه تهران خبر دادند که شعار "مرگ بر دیکتاتور" سر داده بودند.

شبکه سی ان ان شمار معترضان در اطراف میدان انقلاب را بیش از پنج هزار نفر برآورد کرد.

خبرگزارش آسوشیتدپرس در گزارش خود نوشته که این اعتراض ها در شرایطی انجام شد که شمار زیادی از مأموران انتظامی در کنار لباس شخصی ها و اعضای بسیج در چهار راه های مختلف خیابان انقلاب در مرکز تهران مستقر شده بودند.

این خبرگزاری عنوان کرده است که تظاهر کنندگان که ماسک های سبز به صورت داشتند مقابل در اصلی دانشگاه تهران متوقف شدند و شروع به شعار دادن کردند که با واکنش پلیس مواجه شدند.

یک شاهد عینی دیگر از حمله نیروهای امنیتی به حاضران در خیابان کارگر خبر داد و علاوه بر تایید ضرب و شتم معترضان و عابران از سوی این نیروها، گفت که برخی از افراد که مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند دستگیر شدند.

این شاهد عینی همچنین از مسدود شدن کلیه خیابان های منتهی به میدان انقلاب از سوی نیروهای انتظامی خبر داد.

خبرگزاری رویترز هم گزارش داد که نیروهای لباس شخصی سوار بر موتورسیکلت در اطراف دانشگاه تهران مشغول گشت زنی بوده اند.

آسوشیتدپرس از تجمع صدها تظاهر کننده در میدان ولی عصر تهران خبر داده است که با وجود شلیک گاز اشک آور از سوی نیروهای انتظامی، دوباره جمع شدند.

خبرگزاری فرانسه که پیش از آغاز ناآرامی ها فضای منطقه اطراف میدان انقلاب را پر تنش و متاثر از حضور نیروهای ضدشورش توصیف کرده بود، مدتی بعد از شلیک گاز اشک آور به سمت معترضان و تلاش نیروهای امنیتی برای متفرق کردن معترضان خبر داد.

خبرگزاری رویترز هم از زبان یک شاهد عینی از شعار دادن تجمع کنندگان در حمایت از میرحسین موسوی خبر داده است.

رویترز به نقل از دیگر شاهدان عینی اعلام کرد نیروهای امنیتی در بعضی میادین دیگر شهر تهران هم حضوری گسترده داشته اند.

این تجمع در شرایطی رخ داد که اسماعیل احمدی مقدم، رئیس نیروی انتظامی ایران یک روز قبل اعلام کرد درخواستی برای برگزاری تجمع یادبود حوادث ۱۸ تیر ۱۳۷۸ دریافت نشده و هشدار داد پلیس با هرگونه تجمع به شدت برخورد خواهد کرد.

۱۰ سال پیش در روز هجدهم تیر سال ۱۳۷۸ و در پی اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران به تعطیلی روزنامه اصلاح طلب "سلام"، نیروهای امنیتی به کوی دانشگاه تهران حمله کردند که به پنج روز ناآرامی منجر شد.

با شکوه ترین سالگرد ۱۸ تیر

یک وبلاگ نویس: من هیچ سالگردی از ۱۸ تیر را به شکوهی و با عظمتی و شلوغی امسال ندیدم. اگر سال‌های قبل فقط دانشجو بود امسال پیر و جوان از هر قشر بودند و سه روز تعطیلی و سفارش‌های مکرر معجزی‌های خودفروخته صدا و سیما برای رفتن مردم به مسافرت و شمال هم کارگر نشد و مردم هم چنان در میدان بودند و حکومت هم شوکه شد!

آقای احمدی مقدم فرمانده ناجا دیدید که مردم را نمی‌شناسید و بر خلاف حرف شما ماندند و ۱۸ تیر را گرامی داشتند!

آفرین به غیرت‌ان ملت ایران

از وبلاگ سرباز میهن آفرین به غیرت‌ان ملت ایران (به خصوص تهران)، امروز باز هم تیزتر اول تمام خیرگزاریه‌های جهان ملت ایران شد، مرگ مایکل جکسون و ماجراه‌های چین کنار رفت و باز هم دنیا فهمید که ملت ایران این حکومت را نمی‌خواهد. مطمئن باشید که به مرور شهرهای دیگر هم به تهرانی‌ها خواهند پیوست، ناامید نباشید، همواره پایان شب سه روزی سپید خواهد بود و روزی خواهد آمد که آفتاب از فراز سهند و سیلان، از فراز دنا، از فراز دالاهو، از فراز رود کارون و از فراز سرتاسر ایران بتابد.

هدف ما از روز ۱۸ تیر ۴ مورد اصلی بود که ملت ایران بخوبی بدان دست یافتند.

۱- اول اینکه ملت ایران است که برای خود تصمیم می‌گیرد دیگر دوران انقلاب ۵۷ گذشته است که بی‌بی‌سی یا صدای آمریکا برای ما تصمیم بگیرد و این ملت ایران است که برای خود تصمیم می‌گیرد. (و خوشحالم که امروز شاهد بودیم بی‌بی‌سی منافع دولت انگلیس را به حقوق بشر فروخت)

۲- ملت ایران موسوی را اگر هم بخواهد بدون ولایت فقیه می‌خواهد، چه ولایت فقیه خامنه‌ای باشد چه هاشمی چه هر کس دیگر، و این را امروز در شعارشان دیدیم. دیگر دوران ولایت فقیه به پایان رسیده است.

۳- اینکه این دولت حتی وقتی که می‌خواهد روابطش با جهان خوب شود (نه به خاطر ملت ایران بلکه به خاطر فروش نفت و گاز سرمایه‌های ملی ایران)، باز هم دولتی وحشی است، و این فرقی نمی‌کند که چه کسی رئیس‌جمهور شود بلکه حتی اگر رضا پهلوی و یا مسعود رجوی و.. هم رئیس‌جمهور این مملکت باشند تا موقعی که دیکتاتور بزرگ چیزی نخواهد قابلیت اجرایی ندارد. چنانچه دیدیم با اینکه دنیا چشمش بر روی ایران بود به خوابگاه پلی‌تکنیک حمل‌کردند.

۴- این ملت آزادی می‌خواهد و بدنبال رهبری است که به آنها بگوید چه بکنید و خوشحالم که کم‌کم ملت ایران دنبال رهبر خود می‌گردند. حتی اگر موسوی یا کروبی حال که دل ملت با آنهاست به دنبال راه ملت باشند، از راه کنار زده خواهند شد.

و اما حرف من بعنوان یک دوست: یک هفته استراحت خواهیم کرد و البته در این یک هفته نافرمانیهایی مثل مصرف بی‌رویه برق، شعارهای شبانه را خواهیم داشت، پنجشنبه آینده، صبحگاه آنهايي که توانایی دارند به گفته آقای سارگارا گل بر در پادگانهای سپاه در سراسر کشور خواهیم گذاشت، چون سد اصلی ملت ایران نه نیروی انتظامی بلکه سپاه است و بعد از ظهر همان روز با شمعی در یک دست و گل سرخی به رنگ خون در دست دیگر در پارکهای اعلام شده در سراسر کشور گرد خواهیم آمد.

ما پیروزم، خامنه‌ای، هاشمی، بی‌بی‌سی، صدای آمریکا، سازمان ملل، پول نفت و گاز و ... جلوی اراده ملت ایران را نخواهد گرفت، ملت ایران برای خود تصمیم می‌گیرد نه برای صدای دولتهای خارجی.

امشب در تهران مردم فریاد می‌زدند:

مجتبی، بمیری، رهبری را نبینی

هم اینک فریادهای الله و اکبر در تمام پشت بام‌های تهران شنیده می‌شود و حنا افرادی که در تظاهرات امروز مورد ضرب و جرح قرار گرفته‌اند بر توان‌تر از همیشه فریاد می‌زدند. یک

ایران آزاد - خبرنگار سیاسی - شماره یک - ویژه نامه ۱۸ تیر - صفحه دوم

گزارشی از اعتراضات و درگیریهای ۱۸ تیر در تهران

فعالان حقوق بشر و دموکراسی در ایران

از ساعت ۴ بعد از ظهر نیروهای گارد و ضدشورش و بسیج و لباس شخصی باتوم به دست در خیابان‌های اصلی و میدان‌های اصلی شهر مستقر شده بودند. حتی در جلوی مترو و داخل مترو نیز نیروهای گارد ویژه حضور داشتند. چندین هلی‌کوپتر بر بالای سر جمعیت در میدان‌های اصلی مانند آزادی و انقلاب و ولی‌عصر حرکت می‌کرد. از سمت آزادی به میدان انقلاب به فاصله‌های کمی نیروهای گارد ایستاده بودند. خیابان توحید توسط نیروها بسته شده بود جمعیت تقریباً هزار نفری که از آزادی و شهرک غرب به سمت انقلاب حرکت می‌کردند در حالیکه شعار مرگ بر دیکتاتور می‌دادند مجبور شدند مسیر خود را تغییر دهند و به سمت آزادی حرکت کنند. تعدادی نیز از کوچه‌ها و خیابان‌های فرعی خود را به سمت انقلاب رساندند. میدان انقلاب به خصوص در جلو درب اصلی دانشگاه تهران ملو از نیروهای گارد و بسیج و لباس شخصی بود و هر نیم ساعت حدود ۵۰ نیروی گارد را با ماشین به میدان انقلاب می‌آوردند و در آنجا مستقر می‌کردند.

۱۸ تیر باشکوه!

نه، ما سر باز ایستادن نداریم

گزارش ارسالی برای نشریه دانشجویی بدر

چه صلابتی دارد این ۱۸ تیر. همه آمده‌اند. جوان و پیر و میانسال. نه فقط در یک خیابان؛ که اینبار آموخته‌اند از روزهای پیش. در هفت هشت نقطه مرکزی تهران تظاهرات‌های توده‌ای برپاست. سکوتی در کار نیست. همه شعار می‌دهند. بعضی‌ها الله اکبر می‌گویند اما به سرعت مرگ بر دیکتاتور! دولت کودتا استعفا استعفا! جانشینش می‌شود. مرکز درگیری‌ها چهارراه ولی‌عصر - انقلاب است: پارک دانشجو. جمعیت متمرکز و فشرده است و گاردهای ضد شورش با گازاشک‌آور و باتوم یورش می‌برند. چهره‌ها خونین است. جمعیت مرتب از پیاده‌رو به خیابان و خیابان به پیاده‌رو جا به

شعار جالب توجه از امشب روی بامها شنیده می‌شد که مستقیماً رهبر کودتا را هدف قرار می‌داد. آن شعار این بود: مجتبی، بمیری، رهبری را نبینی.

گفتنی است مردم در تقاطع خیابان ولی‌عصر (مصدق) با انقلاب حضور چشمگیر داشتند و همچنین نیروهای نظامی حکومت نیز که این مساله منجر به درگیری و مجروح شدن‌تی چند از مردم

دانشتن حق مردم است

حضور اعتراض آمیز مردم در خیابانهای تهران همزمان با سالگرد ۱۸ تیر

ادوارنیوز: همزمان با دهمین سالگرد حمله به کوی دانشگاه تهران و در ادامه اعتراضات مردمی به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری دهم، عصر امروز ۱۸ تیر ۸۸ چند هزار نفر از مردم در تهران به خیابان‌ها آمدند.

جمعات پراکنده مردم به سمت خیابان انقلاب و میدان انقلاب از حدود ساعت ۱۶ عصر و از مسیرهای مختلف به ویژه از میدان فردوسی و ولی‌عصر شکل گرفت و در حدود ساعت ۱۷:۳۰ هزاران نفر در میدان انقلاب حضور داشتند که با سر دادن شعار الله اکبر و یاحسین میرحسین قصد داشتند تا به تجمع خود شکل بدهند که با هجوم ماموران لباس شخصی مواجه شدند. در همین حال برخی از معترضان نیز در دسته‌های کوچک‌تر به سمت میدان آزادی در حرکت بودند و تعداد دیگری نیز در پی هجوم ماموران به خیابان‌های موازی انقلاب و آزادی رفته‌اند. همچنین ماموران در تقاطع خیابان ولی‌عصر و طالقانی با مردم درگیر شدند و به ضرب و شتم آنها پرداختند.

این درحالی است که ماموران انتظامی و امنیتی که در ساعات ابتدایی حضور کم‌رنگ تری در خیابان‌های منتهی به انقلاب داشتند از رفت و آمد مردم از چهار راه ولیعصر به سمت میدان انقلاب و همچنین از خیابان کارگر جنوبی و شمالی به سمت این میدان جلوگیری می‌کردند.

گزارش شده که نیروهای ضد شورش به سرعت خود را در دسته‌های چند صد نفری به میدان انقلاب رسانده‌اند.

همچنین شلیک گاز اشک‌آور در محدوده میدان ولیعصر و میدان انقلاب و چهار راه ولی‌عصر تنفس را برای مردم دچار مشکل نموده بود.

پیروزی بزرگ ۱۸ تیر مبارک

بعسد از سرکوب و کشتار و ارباب و خطبه‌ی فصل الخطاب! مردم جو ترس و ناامیدی را شکستند و خیابان‌های تهران و برخی از شهرستان‌ها را به تسخیر خود در آوردند و با شعارهای جدید روزهای جدید مقاومت را به رخ سرکوبگران کشیدند.

جا می‌شود. ماشین‌ها مثل دو هفته پیش همه بوق می‌زدند. بوق‌های ممتد. باز هم مشت‌ها در آسمان است و دو انگشت به نشانه پیروزی و همبستگی. موج مردم از همه خیابان‌های اصلی به سمت میدان انقلاب و دانشگاه سرازیر است. اینبار شعار طولانی جدیدی را به سبک دوران انقلاب ۵۷ همه می‌خوانند: محمود خائن آواره‌گردی/ خاک وطن را برانده کردی/ کشتی جوانان وطن آه و واویلا.... مرگ بر تو! مرگ بر تو!... مرگ بر تو!

گاز اشک‌آور مثل نقل و نبات بر جمعیت می‌بارد ولی باور نکردنی است انگار همه عادت کرده‌اند. حال هیچکس به هم نمی‌خورد. فقط فوراً آتشی روشن می‌کنند. بعضی‌ها دود سیگار را به چشم کنار دستی می‌فرستند. در تقاطع بلوار کشاورز و خیابان کارگر هستیم. از پایین گارد ویژه به سمت ما هجوم می‌برد. شعار گویان به سمت بالا می‌دویم.

ادامه در صفحه سوم

پرتاب گاز اشک آور به مردم

نیروهای انتظامی ایران به سوی صدها تن از تظاهرکنندگان امروز گاز اشک‌آور پرتاب کردند. به گزارش خبرگزاری فرانسه از شاهدان عینی صدها تن از افراد پلیس که بسیاری از آن‌ها لباس مأموران ضد شورش را بر تن دارند امروز، پنج‌شنبه در خیابان‌های نزدیک به دانشگاه تهران مستقر شده‌اند. بنا بر گزارش‌ها، با وجود تهدید

استاندار تهران به برخورد شدید با کسانی که به مناسبت ۱۸ تیر در خیابان‌ها حضور پیدا کنند، صدها تن امروز به منظور برگزاری سالگرد ۱۸ تیر امروز به خیابان‌ها آمده‌اند. شاهدان عینی به خبرگزاری فرانسه گفته‌اند که صدها نفر از شرکت‌کنندگان در مراسم سالگرد از نقاط مختلف به سوی دانشگاه تهران در حال حرکت هستند و ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن با سر دادن شعار «مرگ

بر دیکتاتور» خواستار پیوستن پلیس به آن‌ها طریق فیس بوک، پست الکترونیکی و سایت‌های اینترنتی منتشر شده، مردم را به «راهپیمایی سکوت» در روز ۱۸ تیر دعوت کرده‌است. مرتضی تمدن، استاندار تهران امروز گفت: «اگر افراد معدودی بخواهند با گوش دادن به فراخوان شبکه‌های ضد انقلاب، تحرک ضد امنیتی داشته باشند زیر گام‌های مردم هوشیار ما له خواهند شد.»

ایران آزاد - خبرنگار سیاسی - شماره یک - ویژه نامه ۱۸تیر - صفحه سوم

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران: مردمی که مورد حمله قرار می گرفتند، فرار نمی کردند و با هم می ماندند

هزاران نفر از مردم در تهران علیرغم سرکوب نیروهای دولتی دهمین سالروز جنبش دانشجویی سال ۱۳۷۷ را گرامی داشتند و دهها نفر از تظاهر کنندگان بازداشت شدند.

شاهدان عینی به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران نیروهای امنیتی و نظامی بسیج و ماموران لباس شخصی به معترضین حمله کردند، آنها را بی رحمانه با باتوم و کابل مورد ضرب و شتم قرار دادند و تلاش کردند که مردم را با استفاده از گاز اشک آور پراکنده کنند.

هادی قائمی؛ سخنگوی کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: «امروز مردم بعنوان صاحبان خیابان ها بیرون آمدند تا آن ها پس بگیرند و برای حقوق مشروع خود محکم ایستادند. هرچند مردم باز هم بی رحمانه مورد حمله قرار گرفتند اما فرار نکردند. پیام مردم این است که آنها خواهان این هستند که حقوقشان رعایت بشود.»

گزارش ها حاکی از این است که تعداد بسیار زیادی بازداشت شده اند. به گزارش یک شاهد عینی به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران "فقط در یک نقطه ای که من بودم، دیدم که سه ون گشت ارشاد پر از معترضینی بود که دستگیر شده بودند."

ماموران امنیتی لباس شخصی در بین جمعیت بدنبال شناسایی فعالان اجتماعی و بازداشته آنها بودند. کاوه مظفری؛ عضو کمپین یک میلیون امضا و فعال حقوق زن با اینکه در اعتراض شرکت نداشت، در خیابان بازداشت شد. کاوه مظفری که مادر همسرش را به بیمارستان مصطفی خمینی در خیابان ایالتا در نزدیکی منزل خود برده بود در حال بازگشت به منزل توسط ماموران امنیتی شناسایی و بازداشت شد.

به گزارش شاهدان عینی، بیشتر معترضین بدون توجه به شدت حملاتی که قصد پراکنده کردن جمعیت را داشت، تصمیم گرفته بودند بمانند و از حق تجمع مسالمت آمیز خود دفاع کنند. شاهدان بر نقش رهبری زنان بویژه زنان میاسال در مقابله با نیروهای دولتی اشاره کرده اند که تلاش آنها حفظ کسانی بود که مورد حمله نیروهای امنیتی بودند. همه شاهدین از اینکه همه مردم؛ پیر و جوان، زن و مرد مورد حمله و ضرب و شتم نیروهای دولتی بودند ابراز بهت و حیرت کرده اند.

نیروهای بسیجی و ماموران لباس شخصی، نیروهای عمده دولت در حمله به معترضین بودند اما نیروهای انتظامی با لباس فرم نیز نقش هادیی در حملات را برعهده داشت. شاهدین گزارش داده اند که تعداد زیادی از جوانان در بین نیروهای بسیجی مشاهده شده اند.

یک شاهد عینی در این زمینه گفت: "خیلی از اعضای بسیج، پسر بچه های جوان زیر ۱۸ سال بودند. تعداد این نیروهای جوان

بیشتر از دفعات قبلی بود. این پسر بچه ها باتوم داشتند."

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران شدت نگران سوء استفاده از پسر بچه های جوان بعنوان سربازان پیاده نظام نیروهای نظامی بسیجی است که نقض جدی پیمان حقوق کودک است.

شاهد عینی دیگری به کمپین بین المللی حقوق بشر گفت: "آنچه که در این اعتراض برخلاف اعتراضات قبلی بارز بود این بود که مردم در برابر حملات فرار نمی کردند و با هم می ماندند. بخصوص زنان در برابر نیروهای امنیتی واکنش نشان می دادند و می گفتند "چرا ما باید فرار کنیم؟ این مملکت ماست، این سرزمین ماست، ما را نمی توانید از سرزمین خودمان بیرون کنید. این پیاده روها، پیاده روهای ماست. شما کی هستید که با ما می گید که برویم، ما نخواهیم رفت."

این شاهد عینی اضافه کرد که "ضرب و شتم افراد سالخورده امروز خیلی معمول شده بود. پیرمردی هم در میدان انقلاب فقط به دلیل اینکه تند راه رفته بود به شدت کتک خورد. پیرمرد زیر دست و پای مامورها و لباس شخصی ها عین یک بچه گربه ناله و گریه می کرد."

شاهدان در مورد ضرب و شتم های سبعمانه مرد جوانی که به کمک پیرمرد آمده بود چنین گزارش داده اند:

مرد جوانی به یکی از مامورها گفت: چقدر پول گرفتی اینجا اومدی؟ پول خون باباتو که نمی دند؟ صدتومن رو دویست تومنه دیگه؟ خودتو به همین قد فروختی؟ ارزشت همینه؟

مرد جوان بعد از گفتن این حرفها توسط دست کم سی مامور مورد حمله قرار گرفت. زنها بیج می کشیدند. آنها با کیفهای خود و یا با دسته کلید به پشت مامورها می زدند تا جوان را نجات بدهند. بعد از چند لحظه مامورها کنار آمدند. تمام بدن مرد جوان خونی بود. قیافه اش را درست نمی توانستیم تشخیص بدهیم. مامورها دستهای مرد را با چیزی شبیه پلاستیک کرم رنگ محکم بستند و بدون توجه به بدن زخمی اش، او را در پشت یکی از ماشینهای نیروی انتظامی انداختند.

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران از مقامات ایرانی خواست که فوراً همه نیروهای امنیتی و نظامی را از مکان های عمومی جمع کند و بگذارد که مردم به اعتراضات مسالمت آمیز خود برای تحقق آزادی بیان و آزادی تجمع ادامه دهند زیرا این حقوق از حقوق تضمین شده در قانون اساسی ایران و پیمان های بین المللی است که ایران نیز آنها را امضا کرده است.

هادی قائمی در این مورد گفت: " دولت باید بفهمد که قدرت جمعی مردم برای حقوق مشروع خود نمی تواند هر روز سرکوب بشود و تظاهرات هر روزه مردم گویای این است که آنها مصممند که از حقوق خود عقب نینشند."

نیما کوکول، خواننده رب، در اعتراضات دیروز دستگیر شد

در تجمع آرام به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر در میدان انقلاب تهران که به تشنج کشیده شد، «نیما کوکلانی» خواننده رب (معروف به «نیما کوکول») دستگیر شد.

دانستن حق مردم است

چماقداران حکومت و پایداری مردم

۱۸ تیر انقلاب /ولیعصر /هفت تیر /کارگر

چند هزار نفر آمده بودند، اما نیروهای انتظامی، ضدشورش، گارد ویژه و لباس شخصی‌ها هم تقریباً به همان تعداد بودند.

به قصد انقلاب سوار شده بودم اما ۱۶ آذر پیاده شدم، چون سر خیابان نیروهای امنیتی ایستاده بودند و خیلی از ماشین‌ها ترجیحشان این بود که آن مسیر را نروند. ساعت ۴.۵ بود. جمعیت پراکنده به سوی میدان انقلاب می‌رفتند. دانشگاه به نظر سوت و کور می‌آمد اما میدان کم‌کم شلوغ می‌شد. جمعیت مدام میدان را دور می‌زدند و به رغم تلاش نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌ها که با تحکم و گاه با باتوم سعی در راندن آن‌ها به خیابان‌های فرعی داشتند، سعی داشتند در میدان بمانند. اما به مراحل عده‌ای به خیابان‌های فرعی رانده شدند، این بار به ضرب و زور گاز اشک‌آور. به ندرت شعاری داده می‌شد. گاه الله و اکبر و یا اینکه ماموران را هو می‌کردند. مردم بیشتر حضور داشتند و راه می‌رفتند. ماموران هم به بازی مردم تن داده بودند و اجازه تجمع نمی‌دادند. تا ساعت ۵.۵ که توی میدان بودم به جز یک دو مورد، ضرب و شتمی صورت نگرفت. اما کسانی را دستگیر کردند و عمداً پسران جوان. دو نفر را ابتدای خیابان کارگر دستگیر کرده و کنار مغازه‌ای نشانده بودند. از آن‌ها می‌خواستند پشت به خیابان و روبه دیوار بنشینند و آن‌ها حاضر به این کار نبودند. آفتقد را باتوم آن‌ها را زدند تا بالاخره تسلیم شدند و رو به دیوار نشستند.

خیابان کارگر جنگ و گریز بود. گاز اشک آور به وفور زده شده بود و مردم به صورت دستجات کوچک آتش روشن کرده بودند. مغازه‌ها از همان ساعت ۴.۵ کم‌کم بستند و ساعت ۵.۵ تک و توک باز بودند. تجمعات دوطرف خیابان کارگر تا فاطمی ادامه داشت.

من از بلوار به طرف میدان ولیعصر رفتم. از توی شانزده آذر جماعت زیادی (شاید هزار نفر) دسته‌جمعی حرکت می‌کردند و با انگشت‌هایشان علامت پیروزی ساخته بودند. آن‌ها به طرف ماموران می‌آمدند. اما ماموران آن‌ها را پراکنده کردند.

جنگ و گریز و درگیری تا میدان ولیعصر کشیده شد.

نیما را چند باری دیده بودم و به نظرم جوان با ادب و با استعدادی است. البته آن «با استعدادی»‌اش را ندیدم، بلکه شنیدم! او آهنگی را به اراهیمایی صلح و جهان بدون خشونت (که حدود ۹۰ روز دیگر شروع می‌شود و قرار است دنیا را دور بزند) تقدیم کرده است.

۱۸ تیر باشکوه!

ادامه از صفحه دوم:

همراه با چند نفر از روی نرده ها و سیم خاردار می پریم و وارد محوطه پارک می شویم. مقصد خیابان امیرآباد است. دارند از نشن فاطمی خیابان را می بندند که جمعیت امیرآباد به جمعیت اطراف پارک نپیوندند. امیرآباد غلغله است. نشن کوچه ای که ندا در آنجا جان باخت، جمعیت ایستاده اند و شعار مرگ بر دیکتاتور می دهند. پیرمردی که می گوید ۸۰ سال دارد با خوشحالی می گوید دیگر کسی نمی ترسد. همه آمده اند. اینها رفتنی اند. بین اینهمه جمعیت ولی بر عکس سال ۵۷ یک عمامه به سر هم در میانمان نیست! انتقام خون ندا را این مردم می گیرند! راست می گوید.

مردم وضعیت را خوب درک کرده اند. ضعف و شکنندگی رژیم را دریافته اند. دیگر هیچکس نمی ترسد. پیر و جوان شعار می دهند. محکمتر و مصمم تر از سه هفته پیش. خودرویی که در آن خانواده ای نشسته است و بوق ممتد می زند به آهستگی به سمت شمال خیابان امیرآباد در حرکت است. پسر خانواده سرش را بیرون آورده و به مردم می گوید: باز هم می خواهید مسالمت آمیز مبارزه کنید! نمی بینید که اینها اسلحه دارند! خواهرش هم با شعار مرگ بر دیکتاتور همراهیش می کند! تنها عکس العمل من تکرار شعار با آنان و بالا بردن مشت است.

خود را سریعاً به اینترنت می رسانم و این گزارش را می نویسم. امشب خیلی داغ خواهد بود. شعارها بر بام ها غوغا خواهد کرد. زخمی ها و دستگیری ها هم کم نیست. هنوز هوا تاریک نشده، ایست های بازرسی را در گوشه و کنار گسترده اند با بسیجی های یونiform پوش. به خیال خود می خواهند ارباب کنند و به مردم حالی کنند که وضع فوق العاده است! چه حماقتی!! این هزاران هزار مردمند که امروز با حضور قدرتمند خود در خیابان ها به رژیم حالی کردند که هوا پس است! از بقیه شهرها هنوز خبری ندارم. ولی بدون شک ۱۸ تیر امسال در تهران، یک واقعه به شدت تاثیر گذار بر روند تحولات جاری خواهد بود. بدون شک.

گزارش العریبه از اعتراضات هجده تیر

به رغم اعلام تعطیلی دو روزه از سوی دولت با عنوان کردن آلودگی شدید هوا در تهران، این شهر روز پنجشنبه ۹/۷/۲۰۰۹ (۱۸ تیر) بویژه در خیابانهای مرکزی منتهی به دانشگاه تهران شاهد راهپیمایی هزاران نفر معترض بود. اعتراض کنندگان که غالباً جوان و دانشجو هستند شعارهای آزادیخواهی و طرفداری از انتخابات سالم و دموکراسی سر می دادند. بعضی از آنان در شعارهای خود از نیروهای پلیس می خواستند که به آنان بپیوندند. بعضی ها شعار "مرگ بر دیکتاتوری" می دادند. بعضی از تظاهر کنندگان ماسک سبز (به نشانه ی هواداری از میر حسین موسوی) بر چهره داشتند. تظاهرات امروز تهران این نکته را به همه و حتی به خود مردم تهران یادآوری کرد که سابقه ی اعتراضات با آمدن احمدی نژاد و یا اعاده ریاست او آغاز نشده است. حضور گسترده و قدم

نتر سیدیم چون همه با هم بودیم...

گزارش وبلاگ زیتون از وقایع ۱۸ تیر تهران
ساعت چهار بعد از ظهر کمی پایین تر از میدون ونک در یکی از خیابانهای فرعی ماشین را پارک کردیم و چهار نفری به سمت میدان ولی عصر راه افتادیم. جا به جا پلیس ایستاده بود و ما با خیلی از مردم دیگر که از بطری های آب در دست یا ماسک روی دهن یا خنده ی معنی دارشان می فهمیدیم که راهشان با ما یکپست در پیاده رو روان بودیم. گاهی کسی چیزی می گفت و همه جمعیت با هم یی خندیدیم. بیشتر صحبت ها روی سخنرانی احمدی نژاد و شاپرک و پاک کت ترین انتخابات جهان و نماد تغییر و مظم له و پسرش مُجبی بود.

به خاطر ازدحام جمعیت از بلوار کشاورز نیشد رفت. پس به طرف چهار راه ولی عصر راه افتادیم. دوست دیگری زنگ زد که در چهار راه ولی عصر هم دارند ملت را می زنند. پیر و جوان و زن و مرد و بچه و بزرگ هم حالیشان نیست. همه را می زنند. چیزی که برای من جالب بود این بود که تعداد زنان شرکت کننده از همیشه بیشتر بود. شاید از هر ده نفر شش هفت نفر زن بودند و تعداد زنان مسن که با دختر یا پسرشان آمده بودند بیشتر از حد تصور بود.

زنی حدود نود ساله را دیدم که با عصا به سختی راه می رفت و با خانواده پر از نوه اش آمده. راستش آنقدر لباس هایشان شیک و پیک بود که فکر کردم می خواهند برونند مهمانی. دلسوزانه گفتم مادر جان جلوتر بدجور می زنند خدای نکرده گوشه ی باتومشان به شما یا نوه هایتان بخورد سالم نمی ماند. دخترش با نگرانی به من گفت تورو خدا شما کمی نصیحتش کنید. اقلا جلو دست و پای جوانهای مردم نایستند.

پیرزن ایستاد و نگاهی به من کرد و گفت: خوب بخورد ر مگر خون من و نوه ها رنگین تر از بقیه ست؟ باور کن یک ماه است از خانه بیرون نیامدم اما امروز خواهش کردم مرا بیاورند. مرگ بهتر از این زندگی ست.

صحنه های اینچنینی زیاد دیدم. بچه های ترد و نازک و زیبا بغل پدر و مادرشان، حتی نوزاد.

طالقانی را هم رد کردیم. حدود دانشکده هنرهای تزیینی رسیدیم همینطور الکی بهمان یورش آوردند هر که جلوی دستشان رسید زدند . می دویدیم در یک کوچه فرعی.

آنها هم تقسیم می شدند و هر دوسه نفر به کوچه فرعی می آمدند و باتومشان بر کمر و دست و پا و سر ما فرو می آمد. ما چون چهار نفری رفته بودیم و هی باید مواظب هم می شدیم در این مرحله زیاد کتک خوردیم. از آن به بعد تصمیم گرفتیم قبل از هر یورش و قبل از هر چهار راه با هم قرار بگذاریم بعدش کجا همدیگر را ببینیم. موبایل هایمان هم از کار افتاده بود.

گاهی من از صاحب خانه ها یا صاحب مغازه هایی که دم در ایستاده بودند می خواستم بعد از حمله درشان را باز بگذارند تا ما پیریم داخل. (می دیدم جلوتر دارند حمله

بقدم انواع نیروهای حکومتی در خیابانهای انقلاب، طالقانی، ولیعصر، کارگر شمالی و جنوبی، آزادی، فردوسی، جمهوری اسلامی و اطراف دانشگاههای پایتخت باعث شد که چندین درگیری بین آنان و شعار دهندگان معترض روی دهد. افراد پلیس ولباس شخصی ها در این درگیریها از گاز اشک آور، گاز فلفل، سلاحهای سرد چماق، باتوم وتیر اندازی غالباً هوایی استفاده کردند. پیش از این وبگاه های معترضان چندین مسیر راهپیمایی را به مقصد دانشگاه تهران را اعلام کرده بودند. طبعاً وزارت کشور نه تنها هیچ گونه مجوزی را برای راه پیمایی صادر نکرده بود بلکه بارها از طریق رسانه ها ممنوعیت تجمع و امکان برخورد با آن را اعلام کرده بود. جالب اینکه امسال به دلیل مصادف شدن با اعتراض به ریاست مجدد احمدی نژاد، دانشجویان لازم ندیدند اعتراضات خود را به کوی دانشگاه تهران و مقر اصلی آن محدود کنند. سیستم اس ام اس از دو روز پیش قطع شد

ایران آزاد - خبرنگار سیاسی - شماره یک - ویژه نامه ۱۸تیر - صفحه چهارم

گروهی از دانشجویان در خیابان ولیعصر، تهران، ۱۸ تیر ۱۳۸۸

می کنند) و همین صحبت ها باعث شد بارها از کتک فرار کنیم و عده ی دیگری را هم با راهنمایی به آن محلها، نجات بدهم.

یک بار سرایدار ساختمان احمدی نژادی از کار درآمد و با اینکه همه مان را راه داد کمی نصیحتمان کرد و گفت بعدا می فهمید چرا احمدی نژاد در این شرایط از همه بهتر است. و در ضمن داشت به مرد حدودا شصت ساله ای که گاز اشک آور حالش به هم خورده بود و می گفت تازه عمل قلب کرده با آبی که به صورتش می زد کمک می کرد . هر کار کردیم نشد به چهار راه ولی عصر برسیم . هر چه الکی گفتیم خانه مان آنجاست مگر گوش می دادند... باتومشان زبانشان بود. گاهی از دور صدای تیراندازی می شنیدیم و کلی نگرانمان کرد. نزدیکی های چهارراه پسر قبلدند و شجاعی به یکی از باتوم سبز لجنی ها چنان حمله کرد و به زمین پرتش کرد که همه بی اختیار به او آفرین گفتیم. دختر ماسک به صورتی هم بی محابا به تعداد زیادی سرباز نزدیک شد و کلی فحش و شعار داد. آنها هم تا می خورد زدنش... من در حال فرار از دست سرباز دیگری بودم خودم ندیدم، اما بعدا شنیدم که آن دختر و پسر دستگیر شده اند.

تصمیم گرفتیم دوباره به سمت میدان ولی عصر برویم. در بلوار کشاورز جمعیت ناگاه از پیاده رو به خیابان رفته و شروع به شعار دادن کردند. بعضی ها گل در دستشان بود. ما هم با دست زدن و فریاد شعارها همراهی شان کردیم. ماشین ها بوق بوق می کردند. اما هنوز چند لحظه نگذاشته بود که بهشان حمله شد و چند تایشان را دستگیر و بقیه را با باتوم و شوکر زدند.

هر چه هوا خنک تر می شد تعداد بسیجی ها و لباس شخصی ها بیشتر می شد. هر چند دقیقه تعداد زیادی موتور سوار با لباس های مختلف، ساده و آلپلنگی روشن و آلپلنگی تیره و خاکی و... می آمدند مانور میدادند و حین حرکت باتومشان را بر سر و صورت مردم می کوبیدند. ما که بارها توسط آنها تعقیب شدیم، از راه کوچه پس کوچه ها دوباره به خیابان ولی عصر برگشتیم. جلوی فروشگاه قدس(کوروش سابق) دختر قد بلندی الله اکبر گفتف و فوری یکی از همین لباس شخصی ها دستگیرش کرد. پسر مو بلندی هم با کتک بین دو موتور سوار بسیجی نشانددن و بسیجی عقبی گلویش را در حد خنگی گرفته بود و فشار می داد. همه مان بی اختیار فحش دادیم و دوستانشان با آمدن به پیاده رو و فرود آوردن باتوم بر سر و رویمان تلافی درآوردند. البته

توانستیم از آن مهلکه هم فرار کنیم.
توانستیم از آن مهلکه هم فرار کنیم

و امروز تماس با تلفنهای همراه دچار اختلال بیشتری بود. نیروی سپاه پاسداران با چرخبال به نظاره ی تظاهرات آمد تا مانع خروج آن از کنترل شود. گفنتی است که معترضین به حوادث دانشگاه می گویند در واپسین ساعات ۱۸ تیر ۱۳۷۸ (۹/۷/۱۹۹۹) تعدادی لباس شخصی (انصار حزب الله) با حمایت پلیس با حمله به کوی دانشگاه تهران ، دانشجویان را هنگام خواب مورد ضرب و جرح قراردادند، اثاثیه آنان را غارت و تخریب کردند، یک دانشجو را از طبقه سوم پرتاب کردند و کشتند، چشم یکی دیگر را درآوردند و خیلی ها را آواره کرده یا به اسارت گرفتند. علت ماجرا اعتراضی بود که دانشجویان نسبت به تعطیلی روزنامه ی "سلام" تنها روزنامه ی نسبتاً منتقد حاکمیت، از خود نشان داده بودند. تهران در فرادهای آن روز و در سالگردهای آن حادثه هرگز روی آرامش به خود ندید.

دانشستن حق مردم است

گروهی از دانشجویان در خیابان ولیعصر، تهران، ۱۸ تیر ۱۳۸۸

این راهم بگویم. دو آقای همراه ما بیشتر از ما خانم ها کتک خوردند

یک جا که از دست نیروهای انتظامی به مغازه ای پناه بردیم یکهو ریختند در مغازه و از یکی از آقایان همراه ما کارت شناسایی خواستند. ظاهرا در چهار راه پایین تر خبر داده بودند یک نیروی خارجی شورشى همراه ماست. همراه ما هم شوخی اش گرفته بود و گفت همین دیشب با جمبوجت مرا فرستاده اند ایران. باتوم که بالای سرش رفت کمی آدم شد و کارت شناسایی اش را نشان داد. یکشمان که لهجه ی روستایی غلیظی داشت بر تقبلّی و جعلی بودن کارت اصرار داشت (هر طور بود می خواست دستگیرش کند) اما با خواهش تمنای ما و صاحب مغازه که الکی گفت من اینها را می شناسم ولش کردند.

در خیابان ولی عصر نمیشد ماند بارها از راه کوچه پس کوچه ها بخصوص خیابان دانشیان به خیابان فلسطین رفتیم و هر وقت هوا پس می شد دوباره به ولی عصر برمی گشتیم. یکبار چنان با باتوم بر فرق مرد جوانی کوبیدند که سرش شکافته شد و خون راه افتاد. طفلک برای اینکه دستگیر نشود رفته بود پشت بوته ای قايم شده بود. کی از اهالی که از پنجره دید برایش دستمال آورد سرش را ببندد. از همه خواهش می کرد به او نزدیک نشوند تا پلیس نیاید سروحش. از او اجازه گرفتف و ازش چند عکس گرفتف. گفت جوری بنذاذ که صورتم معلوم نشود. در بلوار کشاورز مرتب گاز اشک آور می زدند و دودش به خیابان فلسطین که ما شعار می دادیم هم آمده بود. چند نفر حالشان به هم خورد. خوب شد من چند دستمال سفید و یک شیشه کوچک سرکه با خودم برده بودم. ملت هم

دو سطل زباله درخیابان فلسطین کمی بالاتر از بلوار کشاورز) آتش زده بودند که از آنها هم عکس گرفتف. ماشین برای پاشیدن آب آمد .مردم حمله کردند و نگهش داشتند و راننده را مجبور کردند تمام آبش را همانجا خالی کند. زیر پامان پر شد از آب روان.

مردم جلویش شعار می دادند:
مجتبی، بمیری رهبری رو نبینی،
شعارهای دیگر، مرگ بر دیکتاتور...
الله اکبر... مرگ بر خنامه ای و... بود.

عجیب بود به غیر از یکی دوباره، من حرفی از موسوی نشنیدم. خواسته های مردم خیلی بالاتر رفته.

به نظر من راهپیمایی امروز نه برای دفاع از جنبش دانشجویی بلکه به خاطر اظهار نفرت از حکومت بود. مدت زیادی هم بود که راهپیمایی ها تعطیل شده بود و مردم تشنه ی ابراز اعتراض بودند.

و امروز تماس با تلفنهای همراه دچار اختلال بیشتری بود. نیروی سپاه پاسداران با چرخبال به نظاره ی تظاهرات آمد تا مانع خروج آن از کنترل شود. گفنتی است که معترضین به حوادث دانشگاه می گویند در واپسین ساعات ۱۸ تیر ۱۳۷۸ (۹/۷/۱۹۹۹) تعدادی لباس شخصی (انصار حزب الله) با حمایت پلیس با حمله به کوی دانشگاه تهران ، دانشجویان را هنگام خواب مورد ضرب و جرح قراردادند، اثاثیه آنان را غارت و تخریب کردند، یک دانشجو را از طبقه سوم پرتاب کردند و کشتند، چشم یکی دیگر را درآوردند و خیلی ها را آواره کرده یا به اسارت گرفتند. علت ماجرا اعتراضی بود که دانشجویان نسبت به تعطیلی روزنامه ی "سلام" تنها روزنامه ی نسبتاً منتقد حاکمیت، از خود نشان داده بودند. تهران در فرادهای آن حادثه هرگز روی آرامش به خود ندید.

دانشستن حق مردم است

گروهی از دانشجویان در خیابان ولیعصر، تهران، ۱۸ تیر ۱۳۸۸

اتحاد مردم هم برايم جالب بود. از هر قشری می شد دید. از خانم چادری که کپ ریش را گرفته تا خانم بد حجاب. از جنوب شهری گرفته تا شمال شهری و قشر متوسط. از حاج آقای ریشو تا مرد کراوات زده ریش هفت تیغه.

حدود ساعت ۹ بود که هنوز خیل مردم به سوی خیابان ها سرازیر بود. در یوسف آباد زنی می گفت خانه بیخیال نشسته بودم که بی بی سی تظاهرات شما را نشان داد . دیگر نتوانستم در خانه بمانم... و او سخت تر از بقیه شعار می داد. کودکی فتنگ که دست روی موتور سیکلت پدرش نشسته بود و می گفت می خواهم دشمنای مردم را دم بکشم. یعنی بسیجی ها را. پدرش خندید گفت هیس بابا جان. هیچکدام باور نمی کردیم با این همه احتمال خطر این تعداد مردم بریزند در خیابان...

موقع برگشتن به کرج از این آقای همراهم پرسیدم به نظرت بهترین قسمت راهپیمایی امروز چه بود؟

گفت همان قسمت که مرا با خارجی ها اشتباه گرفته بودند! و تا به خانه برسیم به شوخی از آینه ماشین مرتب به صورت خودش نگاه می کرد. آخر راه به او گفتم عزیزم، فکر می کنم منظورش از خارجی عراقی و عرب بود نه اروپایی و آمریکایی!

حالش را می توانید حدس بزنید...

اما من حال خوبی دارم. امروز همه پر از شور و هیجان بودند و از افسردگی این چند روز گذشته در مردم خبری نبود..منتظر اعلام راهپیمایی بعدی هستیم.

نه... ما سر باز ایستادن نداریم.

ببخشید اگه عکسها خوب نیستن و فقط از به حدود منطقه گرفته شده. فقط این چند لحظه بود که ما نتونستیم موبایل دربیاریم و همه ش در حال دویدن و مخفی شدن بودیم.

دوربین رو با اینکه قبلش آماده کرده بودم بارتیشو گذاشته بودم شارژش، عکس های قبلی رو درآورده بودم... اما به به توصیه دوستان نتونستم ببرم. دست هر کس دوربین می دیدن سخت تر حمله می کردن و می گرفتفتش تا اونجایی که می خوردن می زدنش مگه برای خودش جایی مناسب مثل پشت بام پیدا می کرد. یکی از دوستان که به محل تجمع در گوهردشت کرج رفته بود و از ساعت ۴ تا ۸ اونجاها قدم زده بود می گفت اونقدر نیروی انتظامی بود که کسی جرأت ابراز اعتراض و شعار دادن نکرد. تعداد مردم در پیاده روها خیلی بود اما نتونستن کاری از پیش ببرن .حالا بعد از ۸ خبری بوده نمی دونم.

دوستی زنگ زد که به میدان انقلاب رسیده و آنجا شدیدا